

## تکه برفی که در میان بهمن احساس مسئولیت می‌کند

مصاحبه با علیرضا سپاهی لائین شاعر کرد خراسانی

مصاحبه از: عطا ولدی

مشهد و گنبد‌های طلایی‌اش را که پشت سر می‌گذاری در 45 کیلومتری جاده سنتو دخترکی کرمانج لبخندی را بدرقه‌ی راهت می‌کند تا گرمای جاده را از یاد ببری و تو را به آهنگ‌های "لو"<sup>1</sup> و "هرای"<sup>2</sup> دو تار نوازی می‌سپارد تا به کاخ خورشید برسی. در دامنه کوه‌های هزار مچیت طعم جای گل پیوک مشامت را می‌نوازد و صدای رحیم خان بخشی<sup>3</sup> هنوز برگ تنهای درخت توت را از گزند طوفان به دور داشته و تنهایی صدای مخملی بانو شیروانی<sup>4</sup> گرد راه را از جبینت پاک می‌کند، در دامنه هزار مچیت و نزدیکی‌های کاخ خورشید شاعری در انتظارهای همیشگی و او نیز لبخندی را پیشکشت می‌کند، لبخندی آمیخته به بوی سپیده‌دمان لیمو در شعر ریتسوس و جای گل پیوکی در میان نوای دو تار و افسون کلمات، و این لبخند را با شما تقسیم می‌کنیم باشد که "فردا آسمان پر از گنجشک شود و جنگلی از آواز را در زمین داشته باشیم."<sup>5</sup>

با سلام و احترام:

### 1- نظر خود را خصوص شعر کلاسیک کردی خراسان بیان کرده و چهره‌های شاخص آن را برشمارید؟

در مورد شعر کردی خراسان یا شعر کردهای خراسان بطور کلی باید گفت اغلب شاعران و سرایندگان کرد امروز خراسان در همان قالب‌های مطرح کلاسیک طبع آزمایی می‌کنند. تقریباً نود و پنج درصد شعرهایی که در محافل شعری خوانده و شنیده می‌شود در قالب غزل یا مثنوی است و تعدادی هم رباعی (چهار مصرعی). البته این بیشتر ویژگی ظاهری و فرم بیان را شامل می‌شود. از جهت درونمایه می‌شود تا حدی مدعی شد که غزل امروز الزاماً همان وجه کلاسیک خود را ندارد، بلکه به تبع دیگر جریانهای شعری، پوست انداخته و سراغ مضامین نو و امروزی رفته است. با این حال در مجموع می‌توان ادعا و تأکید کرد که شعر کردی خراسان روی هم رفته در همان هوا و فضای کلاسیک سیر می‌کند. چهره‌ی شاخص شعر کلاسیک کرد خراسان جعفر قلی زنگلی و از شاعران دیگر اطلاع چندانی در دست نیست.

### 2- وضعیت شعر امروز کردی در خراسان را چگونه ارزیابی می‌کنید، شاخص‌ترین چهره‌های شعری امروز خراسان کدامند؟

همانطور که قبلاً هم گفتم شعر خراسان (شعر کردی) بیشتر به تناسب سلیقه و پسند مخاطبان در فضای کلاسیک سیر می‌کند. با این وجود هم از جهت محتوا دچار تحول و دگرگونی‌هایی شده است و هم از جهت قالب و فورم. کم نیستند کسانی که سالهاست سرودن در قالب‌های نیمایی و آزاد را تجربه می‌کنند و در این راه به توفیقاتی هم دست یافته‌اند. علاوه بر این، همانطور که می‌دانید یکی از قالب‌های قدیمی و اصیل در میان کردهای خراسان «لو» است. لو که به شهادت ترانه‌های باقی مانده در میان کردهای خراسان و آنچه از زبان آواز خوانان (ده‌نگ بیژان) در سراسر کردستان شنیده می‌شود، قدمتی چند صد ساله و شاید هزار ساله دارد و از این جهت خیلی

1- لاوک

2- حیران

3- از بخشی‌های چیره دست کرد خراسان

4- خواننده زن کرد خراسان

5- بخشی از شعر شاعر

بیشتر از «نیما» در میان کردها، شاعران کلام را از قید قافیه و وزن کلاسیک رها کرده بودند، قالبی است کلاسیک اما هم از جهت فرم و هم از جهت محتوا مدرن. امروزه بسیاری از شاعران کرد آثار خود را در این قالب و البته بعضاً بصورت سه بخشی ارایه می‌کنند که در حد خود هم مدرن است و هم حال و هوای شعر خراسان را دگرگون کرده است و شعور بازگشت به قالب‌های اصیل و زنده کردی را دو چندان کرده است. اما در میان چهره‌های شاخص شعر کردی خراسان - که تعدادشان هم کم نیستند - می‌توان از اسماعیل حسین پور، حسن روشن، حسین تقدیسی، دکتر فرهادی، کریم اکبرزاده، حمید نجف‌زاده، علی اکبر چوپانی، حسین قیاس آبادی و محمود فرخنده نام برد.

### 3- نظر خود را در خصوص شعر کردی زنان خراسان با برشمردن چهره‌های مطرح آن‌ها در عرصه‌ی شعر بیان نمایید؟

شعر زنان کرد خراسان را باید تابعی از شعر مردان دانست. البته باید گفته شود که از جهت فرهنگی تا این اواخر زنان مجال چندانی برای سرودن و شعر گفتن نداشته‌اند هر چند که بسیاری از سه خشتی‌های رایج در میان خراسانیان کرد را زنان و مادران سروده‌اند، اما در صورت رسمی و کتبی خود زن شاعر مطرحی تا این اواخر نداشته‌ایم. با این حال اکنون چند سالی است که دختران صاحب ذوق کرد خراسان نیز جسورانه پا به عرصه‌ی شعر نهاده‌اند و در محافل ادبی حضوری فعال دارند. از این جمله می‌توان به خانم‌ها مانده قادری، محبوبه سعادت‌مند، خانم قیطاکی و خانم فرخنده اشاره کرد که البته این امیدواری هست هر روز بر تعداد این زنان شاعر افزوده شود.

### 4- به نظر شما ویژگی‌هایی که شعر کردی امروز خراسان را از شعر دیروز متمایز می‌کند چیست؟

همچنان که در پاسخ سئوالهای قبلی هم گفتم، شعر کردی در خراسان متأثر از تحولات ادبی و اجتماعی در فرم و محتوا دچار تغییر شده است. آنچه مسلم است موضوع و مضمون شعر کلاسیک عمدتاً عشق و عاشقی یا غربت و تنهایی است حال آنکه مضمون عمده شعر امروز، مشکلات اجتماعی - فرهنگ کردی - احیای سنت‌ها و اصالت‌های قومی و گاه نیز حسرت خوردن از بابت فراموش کردن این اصالت‌هاست.

### 5- گسست در شعر کردی خراسان و خلاء ایجادشده از دوره‌ی جعفر قلی زنگلی تا شعر امروز را چگونه ارزیابی می‌نمایید؟

در خصوص این گسست چند عامل را می‌توان نام برد. 1- فقدان رسانه‌های دیداری و شنیداری که اهمیت سرودن و شعر گفتن را یادآوری کند و فضایی فراهم آورد که مردم از شنیدن شعر یا خواندن آن لذت ببرند و برای سرودن ترغیب و تشویق شوند. 2- نبودن کتاب‌ها و محافل شعری که برای شعر گفتن در افراد با ذوق الگو و انگیزه ایجاد کند. 3- وضعیت زندگی عشایری و کوچ‌نشینی در میان کردها که آنها را از کسب دانش و توان خواندن و نوشتن دور نگه داشته و بالطبع به آنها مجال آشنایی با شعر و ادب در میان کردها یا اقوام و ملت‌های دیگر را نمی‌داده است. البته این متأسفانه عدم امکان خواندن و نوشتن به زبان کردی و تنگناهایی که در مسیر تبلیغ و ترویج این زبان وجود دارد موجب شده است که بسیاری از گُرد زبانان به تدریج فرهنگ و زبان خود را فراموش کنند و هویتی دیگر بیابند. به عنوان مثال عرض می‌کنم که آقایان محمود اکرامی، علی طلوعی و محمد رمضانی فرخانی که از کردهای خراسان مقیم تهران‌اند امروزه جزو شاعران شاخص زبان فارسی به حساب می‌آیند حال آنکه همه این‌ها خود کردند و به کردی تکلم می‌کنند ولی یک بیت شعر کردی نگفته و نسروده‌اند!! چرا؟! چون احساس می‌کرده‌اند که شعر کردی و زبان کردی ظرفیت معرفی آنها به سراسر کشور را ندارد! ضمن اینکه این را هم نیاموخته‌اند که هیچ زبانی خود به خود ظرفیت پیدا نمی‌کند. شاعر کرد، باید به زبان کردی شعر بگوید و آنقدر هم قوی بگوید که دیگران را مجبور کند سراغ آن بیابند، ترجمه‌اش کنند و آن را در سراسر دنیا پراکنند. چگونه است

که « شیرکو» را در تمام دنیا می‌شناسند؟ مگر نه اینکه شعرش را به زبان کردی می‌گویند؟! مشکل عمده ما ضعف فرهنگی و احساس بی‌هویتی است که حتی شاعران و نخبگان ما را نیز در بر گرفته است و امیدواریم این ضعف هم به کمک خود کردها و هم به یاری حمایت‌های قانونی نظام رسمی کشورها از بین برود.

این را هم نباید ناگفته گذاشت که در واقع بین جعفر قلی و شاعران امروز گسست چندانی وجود ندارد. اما مسأله این است که آنچه در این فاصله سروده شده اولاً در شکل همین سرخشتی‌ها میان مردم رایج شده و ثانیاً نام سراینده آن مکتوب نشده تا رسماً بتوان آن را به صورت تاریخ ادبیات تنظیم و ارایه کرد.

### ۶- اهمیت شعر با تأکید بر ادب شفاهی و فولکلوریک به خصوص سه‌خشتی‌ها در حفظ هویت و زبان کردی در خراسان تا چه تأثیر گذار بوده است؟

در اینکه اهمیت شعر و ادبیات شفاهی تا چه حد است، در حرفهای پیشین به نوعی به آن اشاره شد. من به جرأت می‌توانم ادعا کنم که از کودکان ده ساله تا پیران نود ساله در میان کردهای خراسان شما نمی‌توانید کسی را پیدا کنید که تعدادی سه‌خشتی از حفظ نباشد و آن را در تنهایی و گاه در جمع نخوانند. خود همین حقیقت، اهمیت موضوع را به خوبی باز می‌گوید. علاوه بر این، در میان کردهای خراسان چیستان‌ها و متل‌های بسیاری نیز هست که مردم به کودکان خود می‌آموزند و این کمک می‌کند تا ذهن و زبان کودک از همان بدو تکلم جهت فرهنگی و قومی پیدا کند. این مسأله مخصوصاً در میان کردهای خراسان که رسانه مکتوب و شنیداری نداشته‌اند و هنوز هم چندان ندارند می‌تواند اهمیت خاص خود را به نمایش بگذارد.

۷- آینده شعر کردی خراسان را چگونه ارزیابی می‌کنید، به نظر شما امیدهای آینده این عرصه چه کسانی هستند؟  
آینده شعر کردی خراسان مثل تمام جریان شعر کردی روشن است. مردم کرد در سراسر دنیا بر ارزش و اهمیت زبان و هویت فرهنگی خود واقف شده‌اند و بی‌شک آن را بیش از پیش پاس خواهند داشت. اما این را نیز باید صراحتاً اقرار کرد که:

من و نسیم

نسیم وزید

دو لیش شکوفا شد

دو چشمش را چشمانم به تماشا نشستند

دو زلفش را دستام شانه کردند

یک دل نه، صد دل عاشقش شد

نسیم وزید

برخاست و رو به کوچه باغی نهاد

که بر دلم داغی بگذارد

من نیز برخاستم و رو به کوچه باغ نهادم

که سراغش را گرفته باشم

نسیم وزید

من نیز در پی یارم شتافتم

تا انتهای تمام راه‌ها رفتم

تا بلندای کوه‌ها...

بر فراز کوه، نسیمی بود

بر فراز کوه تصویر مه‌آلودی بود

بر فراز کوه رفیقی بود... .